

# سرمایه‌داری آتش‌فشان بیماری است

گفت‌وگو با راب والس



ترجمه‌ی شادی انصاری



راب والاس زیست‌شناس تکاملی و متخصص جغرافیای باستانی (فیلوژنوگرافی) بهداشت عمومی است که هم‌اکنون در انستیتوی مطالعات جهانی در دانشگاه مینه‌سوتا پژوهشگر میهمان است. او نویسنده‌ی کتاب *مزرعه‌های بزرگ، آنفولانزای بزرگ* و *تولید می‌کند و کتاب فضای انقلاب* است که دومی به زودی منتشر خواهد شد. (هر دو در انتشارات مانتلی ریویو). وی از نویسندگان کتاب *ابولای نولیرال: مدل‌سازی ظهور بیماری‌ها از مالیه تا جنگل و مزرعه*، و همچنین *کنترل کامل بیماری‌ها: جنگل‌زدایی تحت رهبری سرمایه‌داری، ریاضت سلامت عمومی و عفونت قابل انتقال از حامل است*. وی مشاور سازمان غذا و کشاورزی سازمان ملل متحد و مراکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها است. مصاحبه‌ی حاضر نسخه‌ی ویراسته‌ی متن منتشرشده در نشریه‌ی «مارکس ۲۱» است که سپس به شکل گسترده‌ای بازنشر شد. از جمله در سایت آنلاین مانتلی ریویو. ویراستار سایت در توضیح ابتدایی آن نوشته است: «مطالعه‌ی "یادداشت‌های مربوط به ویروس جدید کرونا" را که در مراحل اولیه‌ی شیوع (۲۹ ژانویه ۲۰۲۰) منتشر شده در تکمیل این مصاحبه قویاً توصیه می‌کنیم. همان‌گونه که والاس در آن‌جا اشاره کرد:

"در حالی که مقامات نمی‌دانند چه باید بکنند، مقیاس تأثیر می‌تواند شتابی نجومی بگیرد. همانطور که خود کووید ۱۹ نشان داد که می‌تواند در عرض یک ماه، از یک بازار غذایی به صحنه‌ی جهانی حرکت کند، ارقام می‌توانند چنان شتاب و تا آن‌جا فزونی یابند که همه‌ی تلاش اپیدمیولوژیست و منطق وجودی‌اش، مقابله با واقعیت‌های هولناک موجود باشد.»

ویروس کرونا دنیا را در وضعیت شوک نگه می‌دارد. اما دولت‌ها به جای مبارزه با علل ساختاری همه‌گیری بیماری، صرفاً روی اقدامات اضطراری تمرکز می‌کنند. **راب والاس**، زیست‌شناس تکاملی و متخصص جغرافیای باستانی بهداشت عمومی، در

گفت‌وگو با **یاک پابست** در مورد خطرات کووید ۱۹، مسؤولیت کشاورزی تجاری و راه‌حل‌های پایدار برای مبارزه با بیماری‌های عفونی گفتگو می‌کند. - سردبیران  
مارکس ۲۱

### ویروس جدید کرونا چقدر خطرناک است؟

بستگی دارد که در کجای زمان‌بندی شیوع محلی کووید ۱۹ قرار دارید: آغاز، نقطه‌ی اوج، یا بعد از آن؟ واکنش مراکز بهداشت عمومی در منطقه‌ی شما چه قدر خوب است؟ مشخصات جمعیتی شما چیست؟ چند سال تان است؟ سیستم ایمنی شما آسیب دیده یا خیر؟ سلامت عمومی شما چه طور است؟ در زمینه‌ی احتمالاتی که قادر به تشخیص آن نیستیم، آیا ایمنی‌زایی شما، زمینه‌ی ژنتیک و واکنش‌های ایمنی‌تان، برای مواجهه با ویروس آمادگی دارد یا خیر؟

### آیا این همه هیاهو در مورد ویروس، هراس افکنی است؟

نه، قطعاً نه. در سطح جمعیتی، کووید ۱۹ در آغاز شیوع در ووهان دارای نسبت مرگ‌ومیر (CFR)<sup>۱</sup> بین ۲ تا ۴ درصد بود. خارج از ووهان، میزان مرگ‌ومیر به ۱٪ و حتی کم‌تر از آن کاهش یافته، اما این‌جا و آن‌جا در نقاطی، از جمله در جاهایی از ایتالیا و ایالات متحده، جهش نشان می‌دهد. به نظر نمی‌رسد دامنه‌ی آن قابل مقایسه باشد با مواردی چون سارس SARS با مرگ‌ومیر ۱۰٪، آنفلوآنزای اسپانیایی سال ۱۹۱۸ با مرگ‌ومیر ۵ تا ۲۰٪.

<sup>۱</sup> case fatality rate یا case fatality risk یا case fatality ratio

CFR نسبت مرگ‌ومیر ناشی از یک بیماری خاص به تعداد کل افراد مبتلا به بیماری در مدت معین است. معمولاً به صورت درصد بیان می‌شود، اندازه‌گیری شدت بیماری را نشان می‌دهد و اغلب برای بیماری‌هایی با دوره‌های محدود، از جمله شیوع عفونت‌های حاد کاربرد دارد.

، آنفلوآنزای مرغی H5N1 با ۶۰٪ یا در بعضی از موارد ابولا ۹۰٪. اما بدون شک از نسبت مرگ‌ومیر ۰٫۱ درصدی مربوط به آنفلوآنزای فصلی فراتر رفته است. اما خطر فقط مربوط به میزان مرگ نیست. ما باید با آن‌چه که «نفوذ» یا میزان حمله به اجتماع خوانده می‌شود، درگیر شویم: چه میزان از جمعیت جهانی زیر نفوذ شیوع است.

### می‌توانید با جزییات بیشتری توضیح دهید؟

شبکه‌ی سفر جهانی در پایین‌ترین سطح خود است. بدون واکسن یا داروی ضد ویروس اختصاصی برای ویروس‌های دسته‌ی کرونا و همچنین بدون ایمنی جمعی در برابر ویروس در این مرحله، حتی شدت یک درصدی مرگ‌ومیر، خطر بزرگی است. با توجه به دوره‌ی نهفتگی<sup>۱</sup> بیش از دوهفته و شواهد فزاینده در مورد انتقال ویروس قبل از بیماری - قبل از این‌که بدانیم افراد آلوده هستند - احتمالاً معدودند جاهایی که از این عفونت پاک باشند. اگر کووید ۱۹ به‌طور مثال یک درصد مرگ‌ومیر نشان دهد، در اثر آلوده شدن چهار میلیارد نفر، ۴۰ میلیون نفر کشته می‌شود. نسبتی اندک از یک عدد بزرگ، کماکان می‌تواند تعداد زیادی باشد.

**برای یک عامل بیماری‌زا<sup>۲</sup> که ظاهراً کشنده محسوب نمی‌شود، اعداد وحشتناکی است!**

---

#### ۱ Incubation Period

دوره‌ی کمون یا نهفتگی: فاصله‌ی زمانی بین آلوده شدن فرد به عامل بیماری‌زا و بروز علایم بالینی ناشی از آن.

#### ۲ Pathogen

قطعاً. ما تنها در ابتدای شیوع بیماری هستیم. درک این نکته مهم است که بسیاری موارد ابتلای جدید، در خلال چرخه‌ی اپیدمی‌ها دستخوش دگرگونی می‌شوند. در بعضی موارد، عفونت‌زایی، شدت، یا هر دو، ممکن است تضعیف شود. در برخی دیگر، شیوع ممکن است با درجه‌ی شدت بیش‌تری باشد. نخستین موج از همه‌گیری آنفولانزا در بهار ۱۹۱۸، عفونتی نسبتاً خفیف بود. موج دوم و سوم در زمستان همان سال که به ۱۹۱۹ هم رسید، میلیون‌ها نفر را کشت.

**اما کسانی که در مورد همه‌گیری جهانی بیماری شک دارند می‌گویند این ویروس نسبت به آنفولانزای فصلی عادی، بیماران به‌مراتب کم‌تری را آلوده و کشته شده است. در این مورد چه فکر می‌کنید؟**

اگر شکستی در زنجیره‌ی این شیوع نمایان باشد، من نخستین کسی خواهم بود که جشن می‌گیرم. اما این‌گونه تلاش‌ها برای نادیده‌نگاری کووید ۱۹ به‌عنوان خطری احتمالی، با استناد به سایر بیماری‌های کشنده به‌ویژه آنفولانزا، یک لفاظی خوش‌نما است که نگرانی‌های مربوط به ویروس کرونا را به سمت نامطلوبی چرخش می‌دهد.

**بنابراین همسنجی این بیماری با آنفولانزای فصلی نادرست است؟**

منطقی نیست که دو عامل بیماری‌زا را در بخش‌های متفاوت منحنی اپیدمی آن‌ها با هم مقایسه کنیم. بله، آنفولانزای فصلی میلیون‌ها انسان را در سراسر جهان آلوده می‌کند و بربنای تخمین سازمان بهداشت جهانی، سالانه ۶۵۰ هزار نفر بر اثر آن کشته می‌شوند. اما کووید ۱۹ سفر اپیدمیولوژیک خود را تازه آغاز کرده است و برخلاف آنفولانزا، ما هیچ واکسن و ایمنی جمعی برای کاهش سرعت عفونت و محافظت از آسیب‌پذیرترین مردم در برابر آن نداریم.

حتی اگر این مقایسه گمراه‌کننده باشد، هر دو بیماری به ویروس مربوط است، حتی به یک گروه خاص، یعنی ویروس‌های RNA. هم کووید ۱۹ و هم آنفولانزای فصلی می‌توانند باعث ایجاد بیماری شوند، ناحیه‌ی دهان و گلو (و بعضی اوقات همچنین ریه‌ها) را درگیر کنند، و کاملاً واگیردار هستند. صحیح است؟

این شباهت‌های سطحی، باعث می‌شود بخش مبرم همسنجی دو عامل بیماری‌زا را نادیده بگیریم. ما درباره‌ی پویش آنفولانزا بسیار زیاد و در مورد کووید ۱۹ بسیار کم می‌دانیم. سرشار از ناشناخته‌هاست و در واقع، حتی تا هنگامی که شیوع به تمامی ایفای نقش نکرده، ناشناخته می‌ماند. در عین حال، مهم است دریابیم که مسأله، قراردادن کووید ۱۹ و آنفولانزا در برابر هم نیست. بلکه این دو در کنار هم مسأله است. نگرانی مقدم و کانونی، باید ظهور عفونت‌های چندگانه با قابلیت همه‌گیری باشند که در شکل ترکیبی به مردم حمله می‌کنند.

**شما سال‌ها درباره‌ی اپیدمی‌ها و علل آن‌ها پژوهش کرده‌اید. در کتاب‌تان «مزارع بزرگ آنفولانزای بزرگ ایجاد می‌کنند» می‌گوئید ارتباطات بین شیوه‌های کشاورزی صنعتی، کشاورزی ارگانیک و اپیدمیولوژی ویروسی را ترسیم کنید. بینش‌های شما در این باره چیست؟**

خطر واقعی هر شیوع تازه، شکست - یا به عبارت بهتر- خودداری مصلحت‌گرایانه در درک این مطلب است که کووید ۱۹ جدید، حادثه‌ای در انزوا نیست. شیوع فزاینده‌ی ویروس، با تولید مواد غذایی و سودآوری شرکت‌های چندملیتی ارتباط تنگاتنگی دارد. هرکسی می‌خواهد دریابد چرا ویروس‌ها خطرناک‌تر می‌شوند، باید در مدل صنعت

کشاورزی و به‌طور ویژه تولید دام کاوش کند. در حال حاضر اندک‌اند دولت‌ها و دانشمندانی که آماده‌ی انجام این کار باشند. کاملاً برعکس است.

هنگامی که شیوع‌های تازه پدیدار می‌شود، دولت‌ها، رسانه‌ها و حتی بخش اعظم تشکیلات پزشکی چنان بر وضعیت اضطراری به شکل غیرکل‌نگر متمرکز می‌شوند که علل ساختاری سبب‌ساز آن را نادیده می‌گیرند که چرا چندین عامل بیماری‌زای حاشیه‌ای به‌ناگاه یکی پس از دیگری به موضوعات پرآوازه‌ی جهانی تبدیل می‌شوند.

### چه کسی مقصر است؟

گفتم کشاورزی صنعتی، اما دامنه‌ی وسیع‌تری وجود دارد. در سراسر جهان، سرمایه در دست‌اندازی به زمین تا سرحد آخرین بقایای جنگل‌ها و زمین‌های کشاورزی کوچک پیش‌روی کرده است. این سرمایه‌گذاری‌ها منجر به جنگل‌زدایی و توسعه‌ای می‌شود که به ظهور بیماری می‌انجامد. تنوع عملکرد و پیچیدگی این قطعات بزرگ زمین به گونه‌ای هموارسازی و با محیط پیرامون ادغام می‌شوند که عوامل بیماری‌زایی که پیش از این مخفی و محصور بودند به دام‌های محلی و جوامع انسانی سرازیر شوند. کوتاه این‌که، کانون‌های سرمایه، جاهایی مثل لندن، نیویورک و هنگ‌کنگ را باید کانون اصلی بیماری در نظر بگیریم.

### کدام بیماری‌ها با این مورد ارتباط دارد؟

در وضعیت کنونی، هیچ عامل بیماری‌زایی مستقل از سرمایه وجود ندارد. اگر خیلی هم دور باشد، از دوردست آلوده می‌کند. ابولا، زیکا، و ویروس‌های کرونا، بازهم تب‌زرد، انواع آنفلوآنزای مرغی و تب‌خوکی آفریقایی در گراز از جمله‌ی بسیاری عوامل بیماری‌زا هستند که راه خود را از دوردست‌ترین مناطق غیرشهری به حلقه‌های مجاور شهری،

پایتخت‌های منطقه‌ای و نهایتاً به شبکه‌ی سفر جهانی بازمی‌کنند. ظرف چند هفته، بیماری از خفاش‌های میوه‌خوار در کنگو به کسانی که در میامی حمام آفتاب می‌گیرند منتقل می‌شود.

## نقش شرکت‌های چند ملیتی در این فرآیند چیست؟

هم‌اکنون سیاره‌ی زمین، تاحدود زیادی مزرعه‌ای به وسعت یک سیاره<sup>۱</sup> است، هم از لحاظ زیست‌توده<sup>۲</sup> و هم زمین مورد بهره‌برداری. کشاورزی تجاری قصد دارد بازار مواد غذایی را به حاشیه براند. تقریباً تمامیت پروژه‌ی نولیرالی برسر حمایت از تلاش‌های شرکت‌های مستقر در کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی برای سرقت زمین و منابع کشورهای ضعیف‌تر سازمان‌دهی می‌شود. در نتیجه، بسیاری از آن عوامل بیماری‌زای جدید که پیش‌تر تحت کنترل زنجیره‌ی زیست‌جنگل‌های دیرپا نگهداری می‌شدند، اکنون آزاد می‌شوند و همه‌ی جهان را تهدید می‌کنند.

## روش‌های تولید کشاورزی تجاری در این زمینه چه تأثیراتی دارد؟

کشاورزی تحت هدایت سرمایه که جایگزین بیش‌تر زیست‌بوم‌های طبیعی شده است، ابزار کاملی فراهم می‌کند تا عوامل بیماری‌زا به یاری آن بتوانند عفونی‌ترین و شدیدترین

---

<sup>۱</sup> Planet Farm

<sup>۲</sup> Biomass

از منابع نوین (چهارمین منبع بزرگ) انرژی است. در تعریف، منبع سوختی به دست آمده از اجزای قابل تجزیه‌ی زیستی شامل محصولات، پسماندها و زائدات کشاورزی (گیاهی و دامی)، جنگل‌ها و صنایع وابسته و همچنین زواید صنعتی و شهری قابل تجزیه است. بیومس قابلیت تولید برق، حرارت، سوخت‌های مایع و سوخت‌های گازی را دارد.



رُخ‌نمودها<sup>۱</sup> را تکوین دهند. سیستمی از این بهتر برای طراحی بیماری‌های کشنده نمی‌توانید طراحی کنید.

## چه‌طور؟

تولید انبوه حیوانات اهلی که دست‌کاری ژنتیکی هم می‌شوند، موانع ایمنی‌زای موجود برای کاهش سرعت انتقال را از بین می‌برد. حجم جمعیت و تراکم بیش‌تر آن، انتقال‌های بیش‌تر را تسهیل می‌کند. چنین اوضاع متراکمی پاسخ ایمنی را کاهش می‌دهد. توان عملیاتی بالا، که بخشی از هر تولید صنعتی است، منبعی دائماً نوشونده برای آسیب‌پذیرها فراهم می‌کند که خود، سوختی است برای تشدید آن. به عبارت دیگر، کشاورزی تجاری چنان بر سود متمرکز شده که برایش برگزیدن ویروسی که ممکن است یک میلیارد نفر را بکشد، ارزش ریسکش را دارد.

## چی؟!

این شرکت‌ها فقط می‌توانند هزینه‌های کارکردهای خطرآفرین اپیدمیولوژیکی خود را بر همگان فرافکنی کنند. از خود حیوانات تا مصرف‌کنندگان، کارگران مزرعه، محیط زیست محلی و در قلمرو حقوقی دولت‌ها. خسارت‌ها چنان گسترده است که اگر قرار باشد هزینه‌ها را به ترازنامه‌های شرکت‌ها وارد کنیم، کشاورزی تجاری آن‌گونه که

### ۱ Phenotype

ویژگی‌های قابل‌مشاهده‌ی یک جاندار، یا صفات و ساختارهای گذشته‌ی ژنتیکی که توسط برخی روش‌های فنی مشاهده‌پذیر شود. فنوتیپ برآمد تعامل بین بیان ژن‌های یک موجود زنده و تأثیرات زیست‌محیطی است.

می‌شناسیم برای همیشه به پایان می‌رسد. هیچ شرکتی نمی‌تواند هزینه‌های ویرانگری را که این موارد تحمیل می‌کند تقبل کند.

## در بسیاری از رسانه‌ها ادعا می‌شود که نقطه‌ی آغاز ویروس کرونا بازار غذایی عجیب و غریب ووهان بود. آیا این توضیحات صحیح است؟

بله و خیر. سرخ‌های مکانی به نفع این تصور وجود دارد. ردیابی تماس‌ها عفونت را به بازار فروش عمده‌ی غذای دریایی هونان در ووهان پیوند می‌دهد، جایی که حیوانات وحشی فروخته می‌شدند. به نظر می‌رسد که نمونه‌برداری محیطی، به‌طور خاص بر انتهای غربی بازار، به محل نگهداری حیوانات وحشی، تأکید دارد.

اما چه قدر باید عقب برویم و در چه وسعتی تحقیق کنیم؟ وضعیت اضطراری دقیقاً از کی آغاز شد؟ تمرکز بر بازار، ریشه‌های کشاورزی افسارگسیخته‌ی غیرشهری و سرمایه‌محوری فزاینده‌ی آن را از حوزه‌ی دید خارج می‌کند. در سطح جهان و در چین، تهیه‌ی خوراک از حیوانات وحشی به عنوان یک بخش اقتصادی بیش‌تر رسمیت می‌یابد. اما رابطه‌ی آن با کشاورزی صنعتی فراتر از سرمایه‌گذارانش است. از آن‌جا که تولید صنعتی خوک، ماکیان و موارد مشابه تا جنگل‌های دست‌نخورده گسترش می‌یابد، به گرداندگان صنعت غذای وحشی فشار می‌آورد که درون جنگل‌ها را برای شکار منابع جمعیتی جستجو کنند، که باعث افزایش میانجی‌گری و پخش شدن عوامل بیماری‌زای جدید از جمله کووید ۱۹ می‌شود.

**کووید ۱۹ نخستین ویروسی نیست که در چین تکوین یافت و دولت سعی در پنهان‌سازی آن داشت.**

بله، اما این استثنائی چینی نیست. ایالات متحده و اروپا نیز نقطه‌ی آغاز آنفلونزاهای جدید، (اخیراً H<sub>5</sub>N<sub>2</sub> و H<sub>5</sub>N<sub>x</sub>) بوده‌اند و ابولا را در آفریقای غربی و زیکا را در برزیل نمایندگان چندملیتی و نواستعماری آن‌ها پدید آوردند. مقامات بهداشت عمومی آمریکا در حین شیوع H<sub>1</sub>N<sub>1</sub> (۲۰۰۹) و H<sub>5</sub>N<sub>2</sub> به نفع کشاورزی تجاری پنهان‌کاری می‌کردند.

## هم‌اکنون سازمان بهداشت جهانی (WHO) در سطح بین‌المللی وضعیت اضطراری بهداشتی اعلام کرده است. آیا گام درستی است؟

بله. خطر چنین عامل بیماری‌زایی این است که مقامات بهداشتی برای توزیع ریسک آماری، دستورالعملی در اختیار نداشتند. تصویری از چگونگی واکنش این عامل بیماری‌زا نداریم. ما ظرف چند هفته از شیوع در یک بازار غذایی به عفونت‌های پخش شده در سراسر جهان رسیدیم. این عامل می‌تواند از بین برود. عالی خواهد بود ولی نمی‌دانیم. آمادگی بهتر، احتمال کاستن از شتاب سرایت پاتوژن را بالا می‌برد.

اعلامیه‌ی سازمان جهانی بهداشت نیز بخشی از چیزی است که من آن را نمایش همه‌گیری می‌نامم. نهادهای بین‌المللی بر اثر انفعال مُرده‌اند. آنان جامعه‌ی ملل<sup>۱</sup> را به یاد می‌آورند. نهادهای زیرمجموعه‌ی سازمان ملل همیشه نگران وابستگی، قدرت و بودجه هستند. اما این تأکید بر عمل می‌تواند با آماده‌سازی و پیشگیری واقعی مورد نیاز جهان برای از هم گسیختن زنجیره‌ی انتقال کووید ۱۹ همراستا باشد.

تجدیدساختار نولیبرالی سیستم مراقبت‌های بهداشتی، هم پژوهش و هم مراقبت عمومی از بیماران، مثلاً در بیمارستان‌ها، را بدتر کرده است. سیستم

<sup>۱</sup> League of Nations

## بهداشتی که از نظر مالی بهتر سازمان‌دهی شده باشد، برای مقابله با ویروس چه تفاوت‌هایی دارد؟

ماجرایی وحشتناک اما مهم درباره‌ی کارمند شرکت تجهیزات پزشکی میامی وجود دارد که پس از بازگشت از چین با نشانه‌های شبه آنفلوآنزا، کار صحیح را برای خانواده و جامعه‌اش انجام داد و از یک بیمارستان محلی خواستار آزمایش کووید ۱۹ شد. او نگران بود گزینه‌ی حداقلی بیمه که از طرح مراقبت‌های سلامتی او‌اما برایش مانده بود، آزمایش‌ها را پوشش ندهد. حق با او بود و ناگهان با هزینه‌ی ۳۲۷۰ دلاری به دام افتاد. امریکایی‌ها باید خواهان تصویب دستوری اضطراری شوند که تصریح کند در حین شیوع بیماری همه‌گیر، تمام صورت‌حساب‌های واریزنشده‌ی پزشکی مربوط به آزمایش عفونت و درمان پس از آزمایش مثبت، توسط دولت فدرال پرداخت می‌شود. به هر حال ما می‌خواهیم مردم را ترغیب کنیم در صورت ناتوانی در تأمین هزینه‌ی درمان، به جای پنهان‌کاری - و آلوده کردن دیگران - خواستار کمک بشوند. راه‌حل آشکار، خدمات بهداشتی ملی است که کاملاً مجهز به پرسنل و تجهیزات رسیدگی به چنین موارد اضطراری در جامعه باشند، به گونه‌ای که هرگز چنین مسأله‌ی مسخره‌ای - که سبب‌ساز دلسردی از همکاری اجتماعی است - پیش نیاید.

به محض این‌که ویروس در یک کشور کشف می‌شود، در همه جا دولت‌ها با اقدامات اقتدارگرایانه و شدید مانند قرنطینه‌ی اجباری همه‌ی مناطق و شهرها واکنش نشان می‌دهند. آیا این‌گونه اقدامات سخت‌گیرانه موجه است؟

مبادرت به این اقدامات سخت‌گیرانه آزمون اولیه‌ای برای مبادرت به سرمایه‌داری فاجعه‌ی افسارگسیخته بعد از مهار شیوع بیماری است.

از نظر بهداشت و سلامت عمومی، من بر اعتماد و همدلی تأکید دارم که متغیرهای مهم اپیدمیولوژیک هستند. بدون آنها، دولت‌ها حمایت مردم را از دست می‌دهند. احساس همبستگی و احترام مشترک برای ایجاد همکاری‌هایی که برای بقا در چنین تهدیدهایی لازم داریم، نقش مهمی دارد. خودقرنطینگی با پشتیبانی مناسب و مراقبت داوطلبان محلی آموزش دیده، کامیون‌های تأمین مواد غذایی که به تک‌تک خانه‌ها سر می‌زند، فارغ‌سازی از کار و پرداخت بیمه‌ی بیکاری - می‌توانند این نوع همکاری را ایجاد کنند، که ما همه با هم هستیم.

همان‌طور که می‌دانید، در آلمان حزب بدیل برای آلمان (AfD)<sup>۱</sup> یک حزب عملاً نازی داریم که ۹۴ کرسی در پارلمان دارد. راست‌های سرسخت نازی و سایر گروه‌ها با همکاری سیاستمداران AfD، از بحران ویروس کرونا برای تحریک [افکار عمومی] استفاده می‌کنند. آن‌ها گزارش‌های نادرستی درباره‌ی این ویروس منتشر کرده، از دولت درخواست می‌کنند که اقدامات اقتدارگرایانه‌تری انجام دهد. مثلاً محدود کردن پروازها و توقف ورود مهاجران، بستن مرزها و قرنطینه‌ی اجباری.

---

#### ۱ Adf: Alternative für Deutschland

حزبی محافظه‌کار در آلمان است که در سال ۲۰۱۳ تأسیس شد و در سال ۲۰۱۷ نیز دوازده درصد کل رأی‌ها را از آن خود کرد. از مواضع آن می‌توان اشاره کرد به: افزایش نقش سنتی خانواده‌ها در تربیت کودکان، سخت‌گیری در طلاق، سخت‌گیری یا ممنوعیت در سقط جنین، جلوگیری از ورود مهاجران به شیوه‌های قبلی، محدود کردن فعالیت مسلمانان، جلوگیری از ختنه‌ی کودکان، راه‌اندازی نیروگاه‌های اتمی و عدم سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی گرمایش زمین، سربازی اجباری برای مردان و ...

ممنوعیت سفر و بسته شدن مرزها خواسته‌های راست افراطی است تا به میانجی آن‌ها به آنچه که هم‌اکنون یک بیماری جهانی است، بار نژادپرستانه بدهد. البته بی‌معنی است. از این زاویه، با توجه به این که ویروس در حال حاضر در حال گسترش به همه‌جا است، کار معقول و منطقی تلاش برای نوعی بهداشت عمومی منعطف است، به طوری که صرف‌نظر از این که چه کسی آلوده باشد، امکانات درمان و معالجه‌ی آنان را در اختیار داریم. البته، با دزدیدن سرزمین مردمان در خارج از مرزها و بازگرداندن ازجاکنده‌شدگان به سرزمین اولیه، نمی‌توانیم ظهور مستمر عوامل بیماری‌زا را متوقف کنیم.

### تغییرات پایدار چه باید باشد؟

برای کاهش شیوع ویروس‌های نوظهور، تولید مواد غذایی باید به شکل بنیادی تغییر کند. خودمختاری کشاورزان و بخش دولتی قوی می‌تواند محیط زیست را بهبود ببخشد و عفونت‌های افسارگسیخته را مهار کند. مرسوم کردن تنوع کشاورزی و دامپروری و بازپس‌گیری استراتژیک زمین‌های تغییر کاربری داده در سطوح مزرعه و منطقه. مجاز کردن زادوولد حیوانات مورد بهره‌برداری برای تولیدات غذایی به در محل‌های ویژه برای بررسی مصونیت‌های لازم. پیوند بخشیدن تولید عادلانه با توزیع عادلانه. حمایت از قیمت یارانه‌ای و طرح‌های خرید مصرف‌کننده برای تولیدات بوم‌شناسانه‌ی کشاورزی.<sup>۱</sup> دفاع از این تجارب هم در مقابل جبری که اقتصاد نولیبرال بر افراد و جوامع به یکسان تحمیل می‌کند و هم در مقابل تهدید سرکوب دولت تحت امر سرمایه.

---

<sup>۱</sup> Agroecological

علم کاربرد اصول و مفاهیم اکولوژی در ایجاد و مدیریت سیستم‌های پایدار کشاورزی، در مقابل conventional agriculture

## برای مقابله با پوشش روزافزون شیوع بیماری، سوسیالیست‌ها چه چیزی را باید مطالبه کنند؟

دست‌کم برای سلامت عمومی باید به کشاورزی تجاری، به‌مثابه شیوه‌ای از بازتولید اجتماعی، فیصله داد. تولید به‌شدت سرمایه‌محور مواد غذایی به روش‌هایی وابسته است که کل بشریت را به خطر می‌اندازد، این وضعیت به ازبندستن همه‌گیری‌های کشنده‌ی نوظهور کمک می‌کند. ما باید مطالبه کنیم که سیستم‌های غذایی به گونه‌ای اجتماعی گردند که پاتوژن‌هایی این‌چنین خطرناک، از بروز در نقطه‌ی اولیه‌ی ظهور بازداشته شوند. این امر در نخستین گام در آمیختن دوباره‌ی تولید مواد غذایی و نیازهای جوامع روستایی را طلب می‌کند. این امر به روش‌های کشاورزی بوم‌شناسانه نیاز دارد که از محیط زیست و کشاورزان هنگام پرورش مواد غذایی‌مان محافظت کند. در تصویری بزرگ‌تر، باید گسست‌های متابولیکی<sup>۱</sup> را ترمیم کنیم که اکولوژی ما را از اقتصاد ما جدا می‌کند. کوتاه سخن، سیاره‌ای داریم که نباید از دست بدهیم.

---

### ۱ Metabolic rift

کارل مارکس برای تحلیل روابط بین جوامع بشری و جهان بیوفیزیکی بزرگتر، از طرح دیالکتیکی سه‌گانه‌ای شامل «متابولیسم جهانی طبیعت»، «متابولیسم اجتماعی» و «گسست متابولیک» بهره‌جست. او این رویکرد متابولیک را در *نقد خود از اقتصاد سیاسی* گنجانید که به وی امکان داد تبادلات تاریخی و نفوذ متقابل جامعه و سیستم‌های زیست‌محیطی را ارزیابی کند. سرمایه‌داری برای دستیابی بی‌پایان به انباشت، در حالی که فشار بر سیستم‌های زیست‌محیطی و تولید ضایعات را افزایش می‌دهد، اقتضانات خود را به طبیعت تحمیل می‌کند. و گسست‌های متابولیکی متمایزی در چرخه‌ها و فرآیندهای طبیعی پدید می‌آورد. به گفته‌ی جان بلامی فاستر که این اصطلاح را ابداع کرد، «گسست متابولیک» بسط نوشته‌های اولیه‌ی مارکس در دست‌نوشته‌های اقتصادی و فلسفی ۱۸۴۴ در مورد گونه‌ها و رابطه‌ی انسان و طبیعت است. متابولیسم تحلیل بالغانه‌ی مارکس از بیگانگی طبیعت و روشی محکم‌تر و علمی‌تر را برای ترسیم‌تبادل پیچیده و پویا میان انسان و طبیعت - که نتیجه‌ی کار انسان است - ارائه می‌دهد.

از شما برای حضور در این گفت‌وگو سپاسگزارم.

پیوند با منبع اصلی:

[Capitalism is a disease hotspot](#)